



کتاب الفقه



سلام



لوازمِ «ظهورِ» آخرین حجّت:

جلسه سوم – ۱۱ اسفند ماه ۱۳۹۹

پس از « ۱۲۴ هزار **سفیر الهی** »،

به عنوان « **أُمَّتِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ** »،

و مخاطب « آخرین **کتاب آسمانی** »،

و به عنوان « **أُمَّتِ** آخرین **امام** »

قطعا در « **آخر الزمان** » قرار داریم.

« **اما** » به هر دلیل،

« **۱۱۸۲** سال » (۱۲_قرن)،

از آغازِ « **آخرین امام و حجت** » الهی،

در « **غیبت** » قرار گرفته،

و از برکاتِ « **ظهور** » ایشان، « **محروم** » مانده‌ایم.

پرسش اول:



آیا « مردم »:

برای « مقابله » با این همه « ظلم و جور »،

و فراهم کردن « زمینه‌های ظهورِ بقیّه الله »،

و « تحققِ قسط و عدالتِ جهانی »،

« نقش و تکلیفی » دارند؟ یا « معاف » هستند؟

نظرِ « مردم » برای « تحوّل » جهانی:

« اکثر » مردمِ جهان به « خدا و آخرت » کاری ندارند
و خودشان را در قبالِ تحوّلِ جهانی، « مسئول » نمی‌دانند.

« اقل » مردمِ جهان، « مذهبی » اند و ظهورِ « منجی »

و « تحوّلِ جهانی » را باور دارند و « انتظار » می‌کشند.

اما غالبِ همین «**اقلیتِ مذهبی**»:

اولا: «دین» را از «سیاست»، «**جدا**» می‌پندارند،

ثانیا: «تحوّل» جهانی را به عهدهٔ «**خدا** و **سفیر**» او می‌دانند،
و هیچ «**تکلیفی**» را در این زمینه برای خودشان قائل نیستند،
و انجامِ «وظایفِ شرعی فردی» را برای خود کافی می‌دانند.

ثالثا: برخی از آنها «**گسترشِ ظلم** و **جور** و **فساد**» را ضروری
و «**جنایاتِ مستکبرین**» را برای این تحوّل لازم هم می‌پندارند.

پرسش دوم:



آیا « **ظهور** » آخرین حجت الهی،
و « تحول جهانی، **قطعی** » است؟
پاسخ: « **آری** ».

« چرا » ظهور و تحوّل، « قطعی » است؟

زیرا « **ظهور** آخرین **حجت** الهی »،

و « پیروزی **حق** » و « حاکمیت **صالحان** »،

و « استقرار **عدالت** در سراسر جهان »،

اگر « **محقق** **نشود** »:

اولاً: « مأموریت » و « تلاشِ نفس گیر » و « شهادتِ »

« ده‌ها هزار نبی و رسول و امام »،

« عبث » و « بیهوده » می ماند.

ثانیا: « وعده و حکمِ قطعیِ الهی » محقق نمی شود،

¹⁶ که با نظامِ « حکیمانهٔ الهی »، « تناقض » دارد.

پیش سوم:



« عامل » غالب رفتارهای:

تحصیلی، ورزشی، شغلی، عبادی، تولیدی ...

انسان چیست؟

(تمام یا) « **غالب** رفتارهای » انسان، به خاطر:

« **وعده‌ها** » یا « **وعیدها** » (و **تهدیداتی**) است که:

والدین، معلّمین، مسئولین، پلیس، و ... و یا انبیاء الهی،

به قصدِ « **رشد** و **هدایت** او »،

و یا « **تسخیر** و **استثمار** او » به او می‌دهند.

انواعِ « **جوایز** » برای خریدِ محصولاتِ غذایی و فرش و غیره،
انواعِ « **جوایز و نمره** » در رفتار کودکان و تحصیلِ دانش‌آموزان،
انواعِ « **مدارک** » در تمامِ مراکز آموزشی و ورزشی و غیره،
انواعِ « **گارانته** » برای وسائل خانگی، صنعتی و خودروها،
انواعِ « **در باغِ سبزه‌ها** » برای تروریست‌ها و خلافکاران،
« **وعددهائی**²⁰ » اند که افراد را به انجام کارِ خاصی، می‌کشانند.

همانطور که «**وعددها**»

به انسان، «**امید**» و «**اُنْگِیزه**» می‌دهند،

«**وعیدها**» و «**تهدیدات**»،

«**بازدارنده**» هستند،

و²¹ انسان را به «**ترک**» برخی کارها وادار می‌کنند.

و «قرآن»،

مملو است از:

«وعده» و «وعید»،

و «میعاد»، «موعد»، «موعود» و ...

خدا چه « وعده‌ای » داده است؟

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ،

۱- لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

۲- وَ لَيُمْكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

۳- وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا... (نور/۵۵)

خدا به اهل ایمان که رفتار شایسته دارند وعده داده که حتما آنها را در زمین « حاکم » کند مثل آنها که قبل از آنها²⁴ حاکم بودند و دینی را که برایشان پسندیده مستقر کند و ترسشان را به امنیت تبدیل کند

ضمناً خداوند در « **وَعْدَةٌ** » خود هرگز « **تَخَلُّفٌ** » نمی کند:

وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ (حج/۴۷)

وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ (روم/۶)

وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ (زمر/۲۰)

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ (مرسلات/۷)

« حکیم » الهی چه بوده است؟

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ

مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ

أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (أنبياء/ ۱۰۵)

در « زبور » حکم کردیم که بعد از « ذکر » (تورات یا قرآن)،

(تمام) زمین را « بندگان شایسته من » به ارث می‌برند.

« یومُ الفتح » چه روزی است؟

وَقَالُوا:

مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ؟ (سجده ۲۸/)

کفار می پرسند: اگر راست می گوید،

« این پیروزی شما » کی خواهد بود؟

و « خداوند » در آیه بعد، چنین جواب می دهد:

قُلْ: يَوْمَ الْفَتْحِ

لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (۲۹)

فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ (سجده/۳۰)

بگو: در آن روز پیروزی، ایمان آوردنِ اهل کفر، سودی برایشان ندارد و به آنها مهلت داده نمی‌شود. پس از آنها روی برگردان و منتظر باش که آنها نیز در انتظارند. (خداوند^{۳۰} به جای مشخص کردن زمانِ پیروزی، به کفار « هشدار » می‌دهد.)

امام صادق صلوات الله عليه ، در توضیح « آیه ۲۹ سوره سجده » می‌فرمایند:

روز فتح، همان روزی است که جهان،
به دست « **قائم آل محمد** » فتح می‌شود.

و آن روز، ایمان آنها که قبلاً ایمان نداشته‌اند، سودی برایشان ندارد.
اما آنکه « **قبل از فتح امام** »، ایمان آورد و به امامتِ امام معتقد شود
و از منتظرانش باشد، از ایمانش، سود برد و بر مقامش افزوده شود
و این پاداش دوستان و پیروان ما « **اهل البیت** » است.

(البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، ج ۴، ص ۴۰۳)

پس منظور از « **انتظار** » در آیه ۳۰، « **انتظارِ ظهورِ امام زمان** » است.

لذا در «دعای ندبه» هم گفته می‌شود:

«أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ...»

کجاست صاحب آن روزِ گشایش و پیروزی ...

نتیجہ:



به استناد آن « **وَعْدَةُ الهی** »:

{ **وَعَدَ** اللَّهُ الَّذِينَ ... **۱- لَيْسَتْ خُلُفَتُهُمْ**، **۲- وَ لَيُمْكِنَنَّ لَهُمْ**، **۳- وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ**، ... (نور/۵۵) }

و به استناد آن « **حکم قطعی** »:

{ **لَقَدْ كَتَبْنَا** فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ **أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ** (أنبياء/۱۰۵) }

و به استنادِ « **آیة فتح** »: (سجده/۲۹)

ظهور^{۳۴} امام آخر و پیروزی حق و حاکمیت صالحان و عدالت جهانی، **قطعی** است.

پرسش چہارم:



«تکلیف» منتظرینِ واقعیِ ظهورِ چیست؟

برای روشن شدنِ « **لوازم و شروط** »

« ظهورِ آخرین حجتِ الهی »،

و روشن شدنِ « **تکلیف** » منتظرینِ واقعی آن،

ابتدا باید ببینیم « **مقصدِ اصلی** » رسالتِ انبیاء الهی،

چه بوده است؟

اولين « مقصد » مهم رسولان الهی؟

لَقَدْ أَرْسَلْنَا **رُسُلَنَا** بِالْبَيِّنَاتِ

وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ

لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید/۲۵)

قطعا رسولانمان را با نشانه‌های روشن مأمور کردیم و با آنها کتاب و ابزار ارزیابی را فرو آوردیم

تا مردم « قسط » را إقامة کنند

رسول اکرم صلی الله علیه و آله،
(قبل از اجرای عدل،) موظف به « رعایت قسط » بودند:

قُلْ:

أَمْرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ (أعراف/۲۹)

بگو: خدایم به « قسط » فرمان داده است ...

« قسط » چه کاری است؟

چه فرقی با « عدل » دارد؟

چرا «عالم‌ان» آن را به مردم نیاموخته‌اند؟

چرا «مؤمنین» آن را از علماء نپرسیده‌اند؟

رابطه « ظلم » و « قسط » چیست؟

« **ظُلْم** » یعنی: « پشت کردن » به:

« هر چیزی از جنسِ **نور** و **حق** »،

که عاملِ « **ظُلْمَت** » می‌شود.

و چون فقط خدا « **حق** » و « **نورِ مطلق** » است،

پس « **ظالم** »، هر فردی است که:

به « حدود الهی و تعالیم قرآنی و احکام شرعی » و

به « **حق** » (خودش، والدین، همسر، فرزند، بستگان، دوستان، دشمنان و طبیعت ...)

« **بی‌اعتنائی** » و « **تجاوز** » می‌کند:

... وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ **الظَّالِمُونَ** (بقره/۲۲۹)

و « **قسط** » (در تضاد با ظلم) یعنی:

« رعایتِ **حُدُود** و **حقوقِ الهی** هر چیزی »،

و « حکم کردن: **بِما** **أَنْزَلَ اللَّهُ** ».

که این « حدود، حقوق و احکام الهی » برای « تمام افراد بشر »

(انبیاء، رسولان، اوصیاء، اولیاء، عالمان، جاهلان، مردان، زنان، پیر، جوان، ...)

حتماً « **برابر** و یکسان » است.

پس « **قسط** »، « قانونمندی و رعایت قانون » است:

۱- وَ أَوفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ **بِالْقِسْطِ** (۱۵۲)

وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا **فَاتَّبِعُوهُ** (أنعام/۱۵۳)

۲- وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ

فُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (يونس/۴۷)

پس طبق آیه ۶ سوره حج،

همهٔ مردم به دو دسته تقسیم می‌شوند:

« **مُقْسَطِین** »: **حَقّ** محوران

و « **قَاسَطِین** »: **خود** محوران

گروه اول: « **قاسطین** و خود محوران »:

پیرو « **دلخواه** » خویش‌اند و به « رحمانیتِ خدا » توجهی ندارند،
و با هر بهانه‌ای، از « حدود طبیعی و أوامر الهی » تجاوز می‌کنند.

گروه دوم: « **مُقسطین** و حق محوران » که

عادلانه و مؤمنانه، تمام « **توجهشان** » به رحمانیتِ خداست،
و «⁴⁹ حدود طبیعی و أوامر الهی » را در هر زمینه‌ای رعایت می‌کنند.

پس طبق آیه:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا **رُسُلَنَا** بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ **لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ** (حدید/۲۵)

« منتظرین ظهور » و « عدالت خواهان واقعی »

باید قبل از همه، بکوشند « خودشان »،

« **حُدُود** و **حقوقِ الهی** هر چیز » و « **بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ** را بشناسند »

و « ^{۵۰}دقیق رعایت کنند » تا با ظهورِ حجتِ خدا، آنها را « جهانی » کند.

پس «إقامة قسط و قانون» و «پاسداری از قسط و قانون»،
یک «تکلیف عقلی و شرعی و همیشگی و همگانی» است.
و تا منتظرین ظهور، «قانونمند» نشوند و از «امتیازخواهی» نگذرند،
و تا با «رانت‌خواری» خود و نزدیکان و مسئولین جامعه، مبارزه نکنند،
و مثلاً برای فرزندان و بستگان و دوستانشان «حساب خاص» باز نکنند،
(حتی در دعا کردن تا چه رسد به تقسیم ثروت و قدرت و ...)

امکان تحقق «عدالت پایدار» در «جامعه جهانی»، فراهم نمی‌شود.



اللَّهُمَّ

إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ
تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تَذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ
وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ
وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةً الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

خدایا به سوی تو مشتاقیم برای یافتن دولت کریمه‌ای که اسلام و اهلش را با آن عزیز گردانی،
و نفاق و اهلش را با آن خوار سازی، و ما را در آن دولت از دعوت‌کنندگان به سوی طاعت،
و رهبران به سوی راهت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن، روزیمان فرمایی.

خدایا :

یاریمان کن تا از « **مقسطین** »،

و « **منتظرینِ فعّال** و **مشتاقِ ظهور** »

و تهیّهٔ مقدماتِ ظهور، سهیم و در رکابش باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ